

به کجا چنین شتابان

" دانلد ترامپ و دولتش "

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

کم نیستند نیروهایی از طیف راست و بویژه مال باختگان رژیم سابق و بخشی از ایرانیان که تحرکات ترامپ و آمریکا برای تغییر رژیم در ایران را آرزو کرده اند. من معتقدم که نه تنها آمریکا و دولت جدیدش که روس ها و چینی ها به همراه اتحادیه اروپا نیز به جهان جنوب و ایران ها نگاه متخصصین در آزمایشگاه به موش های آزمایشگاهی را دارند و لذا آرزوی بی پایه برخی از ایرانیان به سرابی مضحک طعنه میزند.

پرزیدنت ترامپ در سخنرانی نخستین خود در هنگام ادای سوگند مدعی شده که "روایای آمریکایی" را تحقق میبخشد. در همان زمان آگاهان در جستجوی یافتن کتاب جدید نوام چامسکی بنام "نماز میت بر رویای آمریکایی" بودند! دانلد ترامپ سپس آمریکا را قدرت اقتصادی جهان نامید ولی در همان حال تولید ناخالص ملی آن امپراطوری در مقام سوم و پس از چین و اتحادیه اروپا ایستاد. ادعاهای ۱۰۰ روز نخست ریاست جمهوری ترامپ یکی پس از دیگری یا به بن بست واقعیات خورد و یا سخت به عقب نشینی رسید. وی هنگامی که ۵۴ میلیارد دلار به بودجه نظامی ۷۰۰ میلیارد دلاری افزود، عنوان کرد که این پول را از بودجه کمکهای خارجی آمریکا به دوستان امپراطوری تامین میکند ولی بودجه مذکور تنها ۲۵ میلیارد دلار است و حذف کمک به هر کشور نیازمند آن را به سوی چین یا روسیه میراند! که جمهوری اسلامی ایران تنها بخشی از طرح خاورمیانه بزرگ است و نه مردن خمینی سبب تکان های بزرگ در آن شد و نه مردن خامنه ای تاثیری در یک سازه ایدئولوژیک و توتالیتر میکند و نیکوتر آنکه امید را به قدرت خود و ابتکار زحمتکشان بندیم و نه دوستان رژیم!

دولت پرزیدنت ترامپ هم اکنون و تنها پس از سه ماه و نیم که از تشکیل آن میگذرد مورد نه تنها انتقاد که خشم همراهان دیروزی خود را فراهم آورده است. عدم انسجام سیاسی و بی تجربگی اکثر وزرای دولت او سبب شده که تغییر مواضع ترامپ بطور هفتگی صورت گیرد و به قولی عمل زدگی بدون برنامه و چشم اندازی مغشوش و بی‌بهره گی کاخ سفید و همراهان شده است. در این میان تنها وهنوز Fox News و آقایان مردوخ Murdoch و Roger Ailes به عنوان نه تنها شبکه خبری طرفدار جمهوری خواهان که به منابها ماشین تبلیغی دولت ترامپ و دستگاه ایدئولوژیک ناپسامانی های سیستم سیاسی دولت ترامپ به حمایت و بیشتر جعل و تولید اخبار ساختگی ادامه میدهد. که دستگاه فاسق نیوز و شبکه های زیر حوزة آن اکنون به کلاهبرداری فکری و ایدئولوژیک متهم میشوند چرا که شبانه روز مشغول ارائه تصویر بدلی و ساختگی از هرم قدرت در کاخ سفید است. که آقای ترامپ وقتی حتی جعل گفته های تاریخی هم

میکند نمیتواند تبعات آن را درک نماید. یعنی میگوید "نخست منافع امریکا" ولی نمیداند که این شعار قدیمی آمریکایی ها بود در زمان جنگ جهانی دوم که مایل به دخالت در جنگ علیه آلمان نبودند! ولی اکنون ترامپ در حالیکه بر طبل جنگ میکوبد آن را بکار میبرد!

تجربه اعمال سیستم اقتصادی - سیاسی موسوم به نئولیبرال و جهانی گرایی محافظه کاران نو، تولید جهانی کرده است که در کشورهای مورد بحث، مردم به دو دسته تقسیم شده اند. دسته نخست اقلیتی هستند با پول های نجومی و ثروت بیکران که از سر صدفه خصوصی سازی های راهزنانه و برداشتن تعرفه ها و تعرض به حقوق کارگران و دست آوردهای آنها و کاهش یا حذف هزینه خدمات اجتماعی و معافیت های مالیاتی برای یک درصدی ها معرف شده اند. در مقابل هم مردمان زحمتکشی قرار دارند که شبانه روز در تلاش معاش هستند و ۹۹ درصدی ها را تشکیل میدهند. این اکثریت ۹۹ درصدی ها نه تنها در امریکای شمالی و اروپا که در حوزة جهان جنوب هم زنجیرهای خود را دارند. و رشکستگی اقتصادهای ملی بواسطه اعمال این سیاست ها از جهان سرمایه داری یک شبکه درهم تنیده و وابسته به مرکز تولید کرده که هرگونه تکانی محسوس در مرکز کشورهای متروپل، تولید زلزله های ویران کننده اقتصادی در جنوب میکند. به همین جهت نیز از نئولیبرالیسم امروزه به عنوان ایدئولوژی یوتویایی و ناکجا آبادی نام میبرند. که دولت ترامپ نماینده راس کارتل های مالی و راهزنان سرمایه داری افسارگسیخته ای است که حتی در تحلیل شکست های این جهان بینی اقتصادی - سیاسی و امانده است.

در این میان که جامعه آمریکایی در حال درجا زدن اقتصادی و تجربه بحران های دوره ای اقتصادی است، چپ آمریکایی خود را تنها در سازه اعتراضات و سازماندهی گوشه ای از جنبش موسوم به صلح پیدا کرده است. اشرافیت کارگری مسلط بر اتحادیه ها و سندیکاها به شدت منزوی شده و سیر نزولی تقاضای عضویت ادامه دارد، چرا که دهه هاست این اشرافیت کارگری و در رهبری اتحادیه ها، کارگران راهبردار در پیشگاه یک دولت دموکرات یا جمهوری خواه و نواله های خونین آنها، قربانی کرده است. که این چپ چنان گیج و عقب مانده است که حتی شرکت آنها در تظاهرات علیه جنگ افروزی گاهها سر از دفاع از کشورهای چپ چون جمهوری اسلامی در آورده است. طبقه متوسط امریکا در خلال ۴۰ سال اخیر و تسلط نئولیبرالیسم به شدت ضعیف و کوچک شده و فرقی آنها با کارگران تنها امکان استفاده از کارتهای اعتباری است با اعتبارهای افزون تر. که و رشکستگی طبقه متوسط آمریکایی سبب نوشتن "نماز میت رویای آمریکایی" توسط چامسکی است! پرسشی که در این زمان مطرح شده است بسیار کلیدی است و قابل تامل. کشوری که در کارا امور داخلی و راهبردی خود درمانده (امریکا) چگونه میتواند به اصول دموکراتیک در برخورد به کشورهای دیگر وفادار بماند. و این پرسشی است کلیدی برای سینه چاکان نامه نویس (ایرانی) به دانلد ترمپ.

من فکر میکنم که تجربه اندوزی سیاسی ترامپ و دولتش به صلح بین الملل کمکی نمیکند و ضایعاتی چند در برداشته باشد. نخست تهاجم بیشتر به حقوق و اوضاع معیشتی زحمتکش و تضعیف هر چه بیشتر طبقه متوسط. قول او دائر بر کشیدن تولیدات آمریکایی به کارخانه های این کشور روزی کاغذ میماند چرا که همان سرمایه دارانی که سبب موفقیت او در این انتخابات بودند، منافع نجومی از صدور سرمایه خود به خارج و بویژه شرق دور، چین و کره و ژاپن میبرند. ترامپ

که با ادعای مبارزه با تروریستها به صحنه آمد ، هرچه بیشتر دست در دست آدم خواران اسلام سیاسی (درسوریه ...) میگذارد و متحدینی غیر از القاعده و جبهه النصر و تروریستهای همجنس ندارد. آنچه که منتقدین لیبرال ترامپ از جمله زیر حوزه هایی چون مجله معتبر **Nation** میگویند ، این است که امریکا بهتر است از طریق کمک به نیروهای دموکرات بین الملل علیه دیکتاتورها و تروریستها موضع بگیرد و هزینه جنگی خود را صرف مبارزه علیه تولیدگازهای گلخانه ای و تولید آب آشامیدنی و رفاه کشورهای فقیر نماید. این رویاها به عقیده من ، در حرارت یک تفکر امپریالیستی و جنگ طلب و متنفذ از مزدبگیران ، رنگین پوستان ، زنان و علیه خدمات اجتماعی وصلح ذوب میشود و بزودی نتایج مخرب سیاست های ساده انگارانه و درعین حال امپریالیستی دولت ترامپ ظاهر میشود. گویی که بار دیگر و بقول مارکس "مجسمه مفرغی ناپلئون (لوئی) در میدان وندوم سقوط میکند" که اشاره به سقوط یک قهرمان قلابی است.

اوضاع رهبری سیاسی در امریکا و در چهارچوب دولت جدید دانلد ترامپ بسیار شکننده است و در افکار ناکجا آبادی و به دور از پرنسیپهای رایج سیاسی طبقه اقتصادی برتر امریکایی سیر میکنند. **Steve Bannon** استراتژیست و تولید کننده سیاست های کلان و اصلی کاخ سفید به واقع یک آدم از همه جا و همه چیز بی خبر است! وزیر خارجه دولت ترامپ اگرچه سابقه دیپلماتیک دارد (**Rex Tillerson**) ولی شاهکارش مدیریت شرکت نفتی اکسان است! و در کل و به مرور زمان دانلد ترامپ مجبور است که دانه به دانه ادعاهای مسخره خود و اطرافیانش را کنار بگذارد و بازی روز و بقولی نئولیبرالیسمی که به پسانئولیبرالیسم ترجمه کرده اند را ادامه دهد. که امریکا در بی تجربگی کادر رهبری جدید اگرچه با هیاهوی آقای مردوخ و فاکس نیوز و رسانه های تابلویدی و جعل خبر و شایعه ساز مدتی مطرح میماند ولی بزودی و پله به پله به نازل ترین سطح سقوط میکند ، اگر این سقوط همراه و حتی زمین خوردن خود ترامپ نباشد. من معتقدم اکنون جدا روابط بین الملل در یک ایستگاه خطرناک متوقف شده است. مسیر حرکت قطار امریکا به سمت عقب راندن چین و هم پیمانان است ولی هرگز نمیتواند جداً جلب همکاری روسیه را در این مسیر بدست آورد. که دولت ترامپ بر روی خرابه های ورشکستگی اقتصادی دولت اوباما و نارضایتی بخشی از زحمتکشان امریکایی بر قدرت تکیه زدن ولی چشم اندازی نه چندان روشن در انتظار است که بی شک به عمر دولت یکبار مصرف ترامپ پایان میدهد.

